# علوم‌انسانی به‌مثابۀ تکنولوژی

**نویسندگان**

**علیرضا منصوری علی پایا**

**ویراستار صوری: آیلین لازار**

**صفحه‌آرا: جابر شیخ‌محمدی**

# فهرست

سخن پژوهشگاه 5

پیشگفتار 11

فصل اول: مقدمه 13

فصل دوم: رابطۀ علوم‌انسانی و تکنولوژی 23

دو وجه علمی و تکنولوژیک علوم‌انسانی 24

رابطۀ هم‌افزایانۀ تکنولوژی‌ها 34

ارتباط نامتقارن وجه علمی علوم‌انسانی با تکنولوژی 36

اهمیت نقش نقادانۀ وجه علمی علوم‌انسانی برای تکنولوژی‌ها 39

نتیجه: عقلانیت تکنولوژی 46

بحث تکمیلی 47

فصل سوم: نیهیلیسم و تکنولوژی اطلاعات 67

نیهیلیسم و تکنولوژی اطلاعات 73

اهمیت کنترل درونی در تکنولوژی اطلاعات 80

درمان نیهیلیسم با تعهدات بی‌قید‌و‌شرط 85

مُعضل تعهدات غیرمشروط 87

کنترل مدنی تکنولوژی اطلاعات 94

نتیجه 98

فصل چهارم: فقه به مثابهٔ تکنولوژی: استلزامات و تبعات 101

تأملی دربارهٔ جایگاه فقه از منظر معرفت‌شناسی 101

آیا تکنولوژی فقه، توانایی به‌روز‌شدن را دارد؟ 113

فقه و ایجاد نوعی سبکِ زندگی در جامعه 120

نقدپذیری احکام فقهی 126

فقه، قدرت و اخلاق 132

نتیجه 138

بحثِ تکمیلی 139

فصل پنجم: توصیه‌های سیاست‌گذارانه 160

منابع 169

منابع انگلیسی 169

منابع فارسی 173

# سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم‌انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به‌هم‌پیوسته و مسئله‎‎‌محور است که بر مبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش‌گرفتن رهیافت بومی و کاربردی‌سازی علوم‌انسانی شکل گرفته و بر پایهٔ خردجمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان برپایهٔ این منطق شکل گرفت که برای بومی‌سازی و کاربردی‌سازی علوم‌انسانی لازم است سه مقولهٔ مهم به‌صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همهٔ طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

1. مبانی و ریشه‌های علوم‌انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه مبانی)

2. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران نظر افکنده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)

3. شیوه‌ها و مظاهر کاربست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعهٔ ایران در چرخهٔ ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کاربست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعهٔ امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانۀ بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملّی و به‌صورت شبکهٔ برنامهٔ محصول‎‎‌گرا و هم‌افزایانه شکل‌ یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‎‎‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملّی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکریو رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشدتا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعیّن نماید.

پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژهٔ هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکهٔ نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به‌تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی \_ پژوهشی، علمی \_ تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به‌صورت کتاب آمادهٔ نشر سازد.

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانهٔ توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم‌انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصهٔ سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسهٔ پژوهشی را به جرگهٔ نسل چهارم نهادهای علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم‌انداز و مأموریت روشن پژوهشگاه، مندرج در برنامهٔ توسعهٔ راهبردی آن، به‌شمار می‌آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامهٔ توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب‌های مجموعه طرح‌های اعتلای علوم‌انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح‌ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت‌ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان‌که طی این سال‌ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالندهٔ تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت‌علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانهٔ علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقدِ متون دانشگاهی و رشد فزایندهٔ تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل‌نامه‌های با کیفیت پژوهشی، برنده‌شدن سه سال پیاپی در جشنوارهٔ نقد سال و برگزیده‌شدن مکرر در جشنوارهٔ بین‌المللی فارابی و ده‌ها جشنوارهٔ ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله‌ای پرتال در رده‌بندی جهانی الکسا، تأسیس قطب علمی، ارائهٔ نظریهٔ علوم‌انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیرفعالیت‌های حوزهٔ ترویجی‌سازی علم و تحقق شبکهٔ نخبگانی سه‌هزار نفره متشکل از استادان صاحب‌نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت‌سازی و ارتقای توانمندی به‌شمار می‌آید.

بدیهی است با همهٔ مزیت‌های این مجموعه طرح‌ها و آثار، بخش‌هایی از این کتاب‌ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی‌های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه‌وری بیشتر این آثار در چاپ‌های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق‌تعالی و ابراز مسرّت از پی‌جویی دغدغهٔ استاد زنده‌یاد دکتر صادق آیینه‌وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر «اتصال به ریشهٔ انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنا و سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک‌سو و اهتمام همهٔ همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیتهٔ علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانهٔ طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیهٔ محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی وکارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به‌نظر می‌رسد سپاسگزار همهٔ آنان باشیم؛ به‌ویژه جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده‌، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی‌زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین‌زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق‌شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سیدمحمدرحیم ربانی‌زاده، جناب آقای دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، جناب آقای دکتر سیدمحسن علوی‌پور، جناب آقای محمدعلی مینایی، جناب آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همهٔ همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر ‌کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت‌علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مددرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخندهٔ پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم‌انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم‌انسانی به‌شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم‌انسانی معطوف به پیشرفت کشور

# پیشگفتار

کتابِ حاضر یکی از محصولات طرحی پژوهشی است با عنوان «علوم‌انسانی به‌منزلۀ تکنولوژی: فرصت‌ها و تهدیدها» که ذیلِ طرح‌ جامع اِعتلای علوم‌انسانی در پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی به انجام رسیده است. در دو فصل ابتدایی کتاب توضیح می‌دهیم که وجه علمی و وجه تکنولوژیک علوم‌انسانی چطور باهم و با سایر تکنولوژی‌ها در ارتباط‌اند و از این رهگذر چارچوبی نظری برای تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای علوم‌انسانی به‌مثابۀ تکنولوژی ارائه می‌کنیم. سپس در فصل‌های بعدی با استفاده از این چارچوب نظری، دو تکنولوژی را مورد بررسی قرار می‌دهیم: «تکنولوژی اطلاعات و دیگری فقه». در فصل سوم توضیح می‌دهیم که چگونه علوم‌انسانی همچون علوم‌طبیعی با کمک به کشف‌ لایه‌های عمیق‌تر واقعیت، نه تنها به ما ظرفیت‌های جدیدی از واقعیت را نشان می‌دهد، بلکه ابعاد جدیدی از خطرات تکنولوژی‌های موجود (در اینجا تکنولوژی اطلاعات مدِّنظر است) را روشن می‌سازد. در فصل چهارم به بررسی تبعات و استلزاماتِ در نظر گرفتن فقه به‌مثابۀ تکنولوژی می‌پردازیم. درخصوص چرایی «تکنولوژی‌‌بودن فقه» قبلاً در آثار دیگری، که در متن کتاب به آن‌ها ارجاع شده، بحث شده است؛ در اینجا ضمن تکمیل آن استدلال‌ها، بیشتر به تبعات مهم چنین نگرشی می‌پردازیم. در فصل پنجم نیز با ملاحظاتی برخی از توصیه‌های سیاست‌گذاران را ارائه می‌کنیم.

اغلب فصول کتاب در قالب مقالات در نشریات علمی‌ \_ پژوهشی منتشر شده است که در جای خود به آن اشاره شده است. درخصوص برخی از این فصول بحث‌ها و گفت‌وگو‌های نقادانه نیز صورت گرفته است که آوردن همۀ آن‌ها پیوستگی مطالب را به هم می‌زند. به همین دلیل این بحث‌ها را برای خوانندۀ علاقه‌مند در انتهای هر فصل قرار دادیم تا ابعاد مختلف مسئله روشن شود و درعینِ‌حال به ‌پیوستگی مطلب صدمه نزند.

علی پایا

مرکز تحقیقات سیاست علمی
کشور؛ کالج اسلامی لندن
(وابسته به دانشگاه میدلسکس)

علیرضا منصوری

پژوهشگاه علوم‌انسانی

و مطالعات فرهنگی

# فصل اول

# مقدمه

***در فضای فکری جامعۀ ما بسیار از نقش و کاربرد علوم‌‌انسانی پرسش می‌شود.*** بسیاری خواستار آن‌اند که نقش علوم‌انسانی در جهت‌دهی علوم و تکنولوژی‌های جدید مورد توجه قرار گیرد. بررسی این مسائل مستلزم این است که در وهلۀ اول از نظر معرفت‌شناختی تفاوت علوم‌‌انسانی نظری و تکنولوژی‌‌های انسانی مشخص شود. خلط این دو ساحت، تبعات نامطلوبی را در سیاست‌گذاری دربارۀ علوم‌انسانی به ‌بار می‌آورد. می‌توان نشان داد که ملاحظات مربوط به چگونگیِ رابطهٔ علم و تکنولوژی، یکی از معضلات و ایرادهای سیاست‌گذاری‌ها در زمینۀ علم و تکنولوژی است که به فاصلۀ پژوهش و نهادهای اجرایی دامن زده است. به‌علاوه شناخت تکنولوژی‌‌های انسانی و بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از آن روشن می‌کند که چگونه تکنولوژی‌‌‌های انسانی می‌تواند از طریق تأسیس نهادها و شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزۀ علوم‌انسانی و پدیدآوردن سیستم‌های اجتماعی \_ تکنیکی نقش مهندسی اجتماعی را در سیاست‌گذاری‌ها و جهت‌دهی به علوم و تکنولوژی‌های جدید ایفا کند.

تکنولوژی‌‌های انسانی از رهگذر تأسیس و مهندسی نهادها موجب اعمال قدرت می‌شود، که این امر در ارتباط با مسئلۀ نسبت علوم‌انسانی و قدرت قرار می‌گیرد که خود پدیدآورندۀ فرصت‌ها و تهدیدهایی است که باید مورد توجه قرار گیرد، تا تکنولوژی‌‌های اجتماعی در خدمت کاستن از رنج و ایجاد امنیت برای مردم باشد، نه ابزاری برای اعمال قدرت در جهت منافعِ نخبگان.

علوم‌‌انسانی در مقام تکنولوژی در تمایز با علوم‌انسانی محض، ناظر به اِعمال تغییرات مختلف در حوزه‌ها و موقعیت‌های مختلف انسانی و نیز خلق موقعیت‌‌های نوپدید در قلمرویی‌‌‌‌ است که از آن با عنوان «وضع و حال انسانی»***[[1]](#footnote-1)*** نام می‌‌برند. در ادبیات فنیِ مربوط به علوم‌انسانی در مقام تکنولوژی، از عنوان «تکنولوژی‌‌های انسانی» برای نامیدن این برساخته‌های خاص استفاده می‌‌شود. تکنولوژی‌‌‌های انسانی نظیر همهٔ دیگر تکنولوژی‌ها، دو کارکرد اصلی دارند: «به آدمیان در رفع نیاز‌های غیرمعرفتی‌‌شان مدد می‌‌رسانند و همچنین به‌منزلهٔ ابزارِ فرایندِ تکاپویِ معرفتی، شناخت واقعیت را تسهیل می‌کنند». به‌عنوانِ‌مثال، تکنولوژی‌‌های انسانی در تأسیس نهادها و تکنولوژی‌های اجتماعی نقشی اساسی ایفا می‌کنند. این نهاد‌ها می‌توانند فرصت‌های خوبی برای تحولات و تغییرات در جهت رفاه و توسعه و کاستن از رنج‌های انسانی ایجاد کنند. تکنولوژی‌‌های انسانی از نتایج دستاورد‌های نظری علوم‌انسانی بهره می‌گیرند. درعینِ‌حال کسانی که در قلمروِ تکنولوژی‌های انسانی فعالیت دارند، از شمّ و بصیرتی عملی، که لازمهٔ استفادهٔ بهینه از تکنولوژی‌‌هاست، برخوردارند (یا می‌باید واجد چنین توانایی باشند).

کاربرد تکنولوژی‌‌های انسانی (و نیز تکنولوژی‌‌های قرین آن، که با عنوان «تکنولوژی‌‌‌های اجتماعی» شناخته می‌شوند،***[[2]](#footnote-2)*** یعنی تکنولوژی‌هایی که از محصولات نظری علوم‌اجتماعی بهره می‌گیرند) ممکن است به نتایج غیرمنتظره‌ یا عوارض نامطلوبی بیانجامد. راه مقابله با این نوع نتایج ناخواسته که امکان ظهورشان از رهگذر به کارگیری هر نوع تکنولوژی (در یکی از قلمروهای متنوع آن، خواه تکنولوژی‌‌های انسانی و اجتماعی که عموماً تکنولوژی‌های نرم به شمار می‌آیند و خواه تکنولوژی‌‌‌های سخت) وجود دارد، علاوه‌بر کوشش برای شناخت آن‌ها (تاحدِّامکان)، ایجاد شرایطی مناسب نظیر طراحی تورهای ایمنی و یا تمهید مقدمات درخور برای مواجهه با تبعات مورد اشاره در صورت وقوع آن‌هاست.

بررسی نسبت علوم‌انسانی و پیشرفت مستلزم این است که اولاً به تفاوت «پیشرفت» در علوم و تکنولوژی توجه شود و ثانیاً نقش هریک از علوم‌انسانی محض و تکنولوژی‌‌های انسانی در این دو تلقی از پیشرفت، مشخص ‌شود. از آنجا‌که ریشۀ بسیاری از مسائل علمی در متافیزیک است و صورت‌بندی مسائل فناورانه، ریشه در سبک زندگی آدمیان دارد؛ این ملاحظات باید در تلقی ما از پیشرفت نیز انعکاس یابد. به‌علاوه از آنجاکه یک قسمت از پیشرفت، درگیر با مسئلۀ انتقال دانش و تکنولوژی است و انتقال دانش و تکنولوژی را می‌توان نوعی تکنولوژی اجتماعی دانست، به تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان و ایجاد سیستم‌های اجتماعیتکنیکی نیاز است که با در نظر گرفتن ملاحظات و الگوهایی هوشمندانه بتواند با کارکردی مناسب و ایمن نیاز به انتقال تکنولوژی و دانش را تحقق بخشد.

این اندیشه‌ها می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های کلان در رابطه با علوم‌انسانی و تکنولوژی‌‌های اجتماعی به ‌کار‌ آید. خصوصاً و به‌طور مشخص در طراحی الگوی اسلامی ایرانی، در طراحی و اصلاح سندهای راهبردی مثل چشم‌اندازها و استراتژی‌های کلان. بنابراین تلاش‌های فکری در این زمینه می‌تواند مورد استفادۀ مؤسسات و سازمان‌های ذی‌ربطی باشد که به‌طریقی مسئولیت سیاست‌گذاری‌های کلان را درخصوص علم و تکنولوژی به عهده دارند، تا از آن در طرح‌ریزی مبانیِ نظری خود بهره ببرند \_\_ ‌‌‌مثل وزارت علوم، تحقیقات و فنّاوری، شورای‌عالی انقلاب‌فرهنگی، آموزش‌و‌پرورش، مرکز تحقیقات سیاست‌های راهبردی ریاست ‌جمهوری و سازمان برنامه‌و‌‌بودجه. البته این تحقیق خود مستقیماً به تنظیم قواعد و قوانین نمی‌پردازد ولی قیدها و شرایطی را برای هر سیاست‌گذاری مطلوب ارائه می‌کند. همچنین لازم به ذکر است که از پژوهشی فلسفی و نظری نباید انتظار برنامۀ مدیریتی داشت. این مسئله از قضا یکی از مباحث نظری مورد تأکید در همین پژوهش است که رابطۀ علومی مانند فلسفه با تکنولوژی‌‌‌های انسانی، که مدیریت و برنامه‌ریزی در زمرۀ آن‌هاست، رابطه‌ای تولیدی و منطقی ندارند. علومی که فلسفه نیز در شمار آنان است با نیازهای معرفتی پاسخ می‌گویند و شأن واقع‌نمایی دارند. تکنولوژی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در زمرۀتکنولوژی‌‌اند که به کار تغییر «واقعیت» مشغول‌اند. علوم‌انسانی به ماهیت و علم و از جمله فلسفه می‌توانند با شناخت عمیق‌تر واقعیت، ظرفیت‌های جدیدی از واقعیت را معرفی کنند؛ آن‌ها همچنین می‌توانند با شناسایی ظرفیت‌های واقعیت، به کار نقد تکنولوژی بیایند.

امیدواریم این کتاب بتواند تمهیدی مناسب برای تکنولوژی‌های انسانی (و اجتماعی) فراهم کند، تا بتوان هم از فرصت‌های حاصل از آن برای بهینه‌سازی شرایط زیست افراد و کاستن از آلام آنان و نیز تسهیل تکاپوهای نظری و رشد معرفت بهره‌‌مند شد. مسلماً در تولید تکنولوژی‌‌های انسانی و استفادهٔ بهینه از یافته‌‌های علوم‌انسانی برای تربیت کسانی که در کار توسعهٔ تکنولوژی‌‌‌های انسانی یا کاربرد آنها هستند، در عمل باید ملاحظات بومی و منطقه‌ای را رعایت کرد تا تحقق کارکردها به‌صورت مؤثر و با کمترین تنش و هزینۀ اجتماعی صورت گیرد. یکی از اهداف تحقیق این است که توضیح دهد در بُعد نظری چه ملاحظاتی را باید در نظر گرفت که فرایند تحقق کارکردها با کمترین هزینۀ اقتصادی و انسانی صورت گیرد و در پیش‌ گرفتن چه رویکردهایی موجب هزینه‌های زیاد می‌شود**. یکی از ملاحظات تأثیرگذار در این زمینه چنان‌که گفته شد، تفاوت وجه علمی و تکنولوژیک علوم‌انسانی و تبیین رابطۀ علوم‌انسانی با تکنولوژی‌هاست. خلط این دو حوزه، موجب بروز بدفهمی‌هایی در سیاست‌گذاری‌ها و تنظیم سندهای مدیریتی برای توسعهٔ علمی کشور شده است. پروژهای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها و طراحی الگوی اسلامی \_ ایرانی توسعه باید به چنین ملاحظات نظری توجه داشته باشد تا در وهلۀ اول شناخت درستی از نقش و جایگاه دو وجه علمی و تکنولوژیک علوم‌انسانی و نحوۀ تأثیر آن بر طراحی و نقد تکنولوژی‌های صنعتی و انسانی داشته باشد. به این منظور قسمتی از کتاب حاضر به تبیین «رابطۀ علوم‌‌انسانی و تکنولوژی» می‌پردازد.**

در این کتاب می‌خواهیم با بهره‌گیری از آموزه‌های عقلانیت نقاد، اولاً رویکرد مناسبی برای رشد بهینهٔ علوم‌انسانی ارائه کنیم و ثانیاً شیوه‌‌هایی کارآمد برای بهره‌گیری از تکنولوژی‌‌های انسانی و اجتماعی عرضه کنیم که بتوان با استفاده از آنها در جهت بهبودبخشی از قلمروِ «وضع و حال و شرایط انسانی» و کمک به شکوفا ساختن ظرفیت‌های مثبت کنش‌گران انسانی و کاستن از آلام آدمیان گام‌های مؤثری برداشت و درعینِ‌حال برای پاسخگویی به تهدیدهای احتمالی ناشی از نتایج ناخواسته و غیرمنتظره، آگاهی و آمادگی لازم را کسب کرد. به همین منظور است که در بخش‌هایی از کتاب به تحلیل جایگاه معرفت‌شناختی یکی از تکنولوژی‌های بسیار مؤثر در جامعۀ اسلامی یعنی «فقه» می‌پردازیم. یکی از نویسندگان «علی پایا» در مقالات و مراجع قبلیِ خود به معرفی این ایده پرداخته است که فقه نوعی مهندسی است. در یکی از فصل‌های کتاب «تبعات» این نگرش کاویده می‌شود و از طریق آن نشان داده می‌شود که چگونه این تکنولوژی مانند تکنولوژی‌های دیگر نیازمند نقد مداوم و توجه به ملاحظات موضعی و محلی است؛ چه فرصت‌هایی ایجاد می‌کند و چه تهدیدهایی ممکن است در به کارگیری نادرست آن وجود داشته باشد.

مطالعۀ دیگری که در همین راستا مورد توجه قرار گرفته است، توجه به «کنترل تکنولوژی اطلاعات» است که امروزه طیف وسیعی از امور روزمره ما با آن درگیر است. تکنولوژی‌ها در عین فرصت‌هایی که ایجاد می‌کنند، می‌توانند دربردارندۀ خطراتی باشند. شناخت لایه‌های مختلف ابعاد خطرآفرین تکنولوژی اطلاعات با عنایت به اهمیت و گسترش و تأثیر آن از مدت‌ها مورد توجه اندیشمندان بوده است. نمونه‌ای از توجه به برخی تبعات مخاطره‌آمیز این تکنولوژی، که در نظر اول به چشم نمی‌آید، در اثر درایفوس***[[3]](#footnote-3)*** به نام «دربارۀ اینترنت» دیده می‌شود. او متأثر از کی‌یرکگور***[[4]](#footnote-4)*** به مخاطرات وجودی (اِگزیستانسیالیستی***[[5]](#footnote-5)***)، که تکنولوژی اطلاعات از جمله اینترنت می‌تواند ایجاد کند، توجه داشته است. در فصل سوم ضمن توضیح آن در قالب بحث «نیهیلیسم***[[6]](#footnote-6)*** و تکنولوژی اطلاعات» نگرشی نقادانه به رویکرد درایفوس به تکنولوژی اطلاعات ارائه می‌شود و راه‌حل‌های بدیلی با عنایت به آموزه‌های رویکرد عقلانیت نقاد ارائه می‌شود. توضیح داده می‌شود که رویکرد کی‌یرکگور \_ درایفوس در عین اینکه از زاویۀ جدیدی نوری بر تکنولوژی اطلاعات می‌اندازد، می‌تواند چه مخاطراتی نیز در بر داشته باشد.

این پژوهش با رویکرد عقلانیت نقاد انجام می‌شود. در رویکرد عقلانیت نقاد کار تحقیق با مشاهده و گردآوری داده‌ها شروع نمی‌شود. این رویکرد مسئله‌محور است و نقطۀ شروع در این رویکرد مسائل است، نه موضوعات یا مشاهدات. در رویکرد عقلانیت نقاد پژوهشگر با صورت‌بندی مسئله شروع می‌کند \_\_ ‌از مشاهده شروع نمی‌کند‌‌ \_\_ و پس از آن با حدس و بازسازی موقعیتِ مسئله تلاش می‌کند طرح و نظریه‌ای برای حل مسئلۀ موردِ‌نظر حدس بزند. این حدس باید هر چه بیشتر نقدپذیر باشد تا بتوان آن را با فنون و ابزارهای نقد مختلف مثل تجربه یا تحلیل استدلالی و منطقی و بررسی میزان سازگاری با نظریه‌ها و پیش‌فرض‌های قبلی سنجید. این نقدها منجر به مسائل جدیدی خواهد شد که باید دوباره آن مسائل یا نظریۀ موردِنظر را اصلاح کرد و یا اساساً نظریۀ جدیدی ارائه کرد. البته محقق در تمام مراحل صورت‌بندی و بازسازی موقعیت و شرایط مسئله و راه‌حل آن، متکی و گرفتار پیش‌فرض‌های آگاهانه و ناآگاهانۀ خود است. به همین دلیل، افراد مختلف با پیش‌فرض‌های مختلف ممکن است صورت‌بندی‌های مسئله‌ای مختلف و یا راه‌حل‌های متفاوتی را ارائه کنند. نکتۀ مهم اینجاست که در همۀ مراحل، محصولات نظری باید قابلِ‌‌نقد و بررسی و بحث باشند ولی رسیدن به یک راه‌حل نهاییِ مورد توافق همهٔ شرط نیست \_\_ هرچند باید برای آن تلاش کرد و نسبت به آن خوش‌بین بود.

با این رویکرد ابتدا به تحلیل این امر می‌پردازیم که تکنولوژی‌‌های انسانی چه نوع برساخته‌هایی هستند و کدام کارکرد‌ها را واجدند و اساساً چگونه امکان‌پذیرند. در گام بعدی به بررسی نقادانهٔ دیدگاه‌های مکاتب رایج و مهمی که دربارهٔ علوم‌انسانی سخن گفته‌‌اند، خواهیم پرداخت و علی‌الخصوص می‌کوشیم نشان ‌دهیم که بسیاری از دیدگاه‌های رایج، گرفتار خلط علم با تکنولوژی هستند و یا علوم‌انسانی نظری و تکنولوژی‌‌های انسانی را به‌درستی تفکیک نکرده‌اند. در قدم بعدی تلاش‌ می‌کنیم توضیح دهیم که چه رابطه‌ای بین علوم‌انسانی محض و تکنولوژی‌های انسانی و اجتماعی وجود دارد.

با مشخص‌شدن این تفکیک‌ها به این مسئله می‌پردازیم که چرا در به کارگیری تکنولوژی‌‌های انسانی و اجتماعی ملاحظات محلی تأثیرگذار است و نقش «معیارها و شاخص‌ها» در بهره‌گیری از تکنولوژی‌‌ها چیست و چگونه و با چه فرایندی باید ابداع، تعریف و اعمال شوند. درنهایت تلاش می‌کنیم این ملاحظات را در قالب آموزه‌هایی برای تأسیس و اصلاح نهادهایی مثل شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه کنیم.

به‌طور خلاصه، عقلانیتِ نقاد تلقی جدیدی از عقلانیت و عینیت و نقش صدق در تکاپوهای معرفتی ارائه می‌کند که تبعات مهمی در شناخت علوم‌انسانی محض و مهندسی اجتماعی و یا تکنولوژی‌‌های انسانی (و نیز تکنولوژی‌‌های اجتماعی) دارد. در رویکرد عقلانیتِ ‌نقاد، موجه‌گرایی***[[7]](#footnote-7)*** در معرفت‌شناسی نه ممکن است و نه مطلوب؛ تلاش برای ایجاد زمینۀ مناسب برای گفت‌وگوی نقادانه از محورهای اصلی این رویکرد است. می‌توان به‌نحو مستدل نشان داد که به‌ کارگیری آموزه‌ها و ملاحظات عقلانیت نقاد هم از بُعد نظری، تصویری منسجم‌تر از رقبا دربارۀ مبانی علوم‌انسانی محض و تکنولوژی‌های انسانی و نسبت آن‌ها با هم و همچنین نسبت آن‌ها با علوم‌طبیعی و تکنولوژی‌‌های سخت به‌ دست می‌دهد و هم تبعات مهمی از جهت مشارکت مسئولانه و دموکراتیک مردم در سیاست‌گذاری دربارۀ علم و تکنولوژی‌های انسانی و اجتماعی و نیز کاستن از تبعات نامطلوب به کارگیری این تکنولوژی‌‌ها، دارد. با یاری از آموزه‌های عقلانیت نقاد می‌توان نشان داد که بسیاری از رویکردهای نسبی‌گرایانه، ابزارانگارانه، پوزیتیویستی، یا حتی رویکردهای تفهمی و هرمنیوتیکی***[[8]](#footnote-8)***، در عین اختلاف‌های ظاهراً عمیقی که با یکدیگر دارند، به ‌کارگیری آن‌ها برای رشد علم و نهادینه‌کردن فضای گفت‌وگوی نقادانه و دموکراتیک مناسب نیست و نتایج نامطلوبی دارد.

عقل‌گرایان نقاد برای بررسی و مطالعهٔ آنچه که در حیطهٔ «وضع و حال و شرایط انسانی» واقع می‌شود (مطالعه‌ای که دربرگیرندهٔ همهٔ جهات این حیطه و از آن جمله جهاتی را که منجر به ظهور انواع تکنولوژی‌های انسانی و اجتماعی می‌شود)، از یک مدل پرقدرت تبیین، موسوم به مدل «تحلیل موقعیت» یا «منطق موقعیت» بهره می‌گیرند. اهمیت این مدل در آن است که برای حیث التفاتی کنش‌گران انسانی و ارادهٔ آزاد آنان جایگاهی محوری در مدل در نظر گرفته است. به‌این‌ترتیب در این مدل، کنش‌های کنش‌گران و نتایج ناخواستهٔ حاصل از آن، که مجموعاً آنچه را که حیطهٔ «وضع و حال و شرایط انسانی» نامیده می‌شود، پدید می‌آورد؛ به‌گونه‌ای دلیل \_ محور (یعنی با محوریت خود کنش‌گران) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به این اعتبار مُدل «تحلیل موقعیت» یا «منطق موقعیت» از یک‌سو، از فروکاستن وضع و حال و شرایط انسانی به موقعیت‌های دترمینیستیک[[9]](#footnote-9) و تعیّن‌گرایانه، که در تبیین‌های رفتار‌گرایانه و پوزیتیویستی مورد توجه است، پرهیز می‌کند و از سوی دیگر، از سقوط تحلیل‌ها و تبیین‌ها به قلمروی شناخت شخصی و سوبژکتیو[[10]](#footnote-10)، که در رویکرد‌‌های تفهمی (اعم از رویکرد‌های هرمنیوتیستی و پدیدار‌گرایانه) مورد توجه است، جلوگیری می‌کند. در این مدل همچنین از توجه به عوامل و علل بیرونی، اعم از ارزش‌ها و فرهنگ‌ها و موقعیت‌های محلی یا قواعد و قوانین و هنجارها (خواه محلی و خواه جهانی) غفلت نمی‌شود.

برای پاسخ به این پرسش که چرا در برخورد با مسئله، از بین انواع رویکردهای موجود، رویکرد عقلانیت نقاد اتخاذ شده است و چه معیارهایی برای قضاوت و داوری بین انواع رویکردها وجود دارد و شأن و وضعِ معرفت‌شناسانۀ خود این معیارها چیست؟ به‌طور خلاصه می‌توان گفت رویکرد عقلانیت نقاد واجد ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های نظری‌ای است که آن را نسبت به رویکردهای رقیب ممتاز می‌کند. درواقع رویکردهای رقیب چنان‌که در اینجا به اختصار و در متن به مرور تحلیل می‌شود، مشکلاتی دارند که رویکرد عقلانیت نقاد ندارد.

در برخی نگرش‌ها به‌ علوم‌انسانی به این نکته توجه نشده است (یا نتیجۀ مبانی نظریِ آن‌ها چنین است) که علوم‌انسانی (و

1. . The Human Condition [↑](#footnote-ref-1)
2. . تکنولوژی‌‌های انسانی (و اجتماعی) آن دسته از برساخته‌های بشری‌‌اند که برای حل مسائل عملی ناظر به وضع و حال‌ها و شرایط انسانی ابداع می‌گردند و به کار گرفته می‌شوند. این تکنولوژی‌‌ها به همراه تکنولوژی‌‌های اجتماعی، همهٔ عرصه‌‌های روانی و شخصی و اجتماعی را در بر می‌گیرند و به قلمرو‌های مختلف در این عرصه‌ها از جمله قلمروهای آموزشی و سیاسی و مدیریتی و حقوقی و فرهنگی و اقتصادی و ... اِعمال می‌شوند. [↑](#footnote-ref-2)
3. . Dreyfus [↑](#footnote-ref-3)
4. . Kierkegaard [↑](#footnote-ref-4)
5. . Existentialist [↑](#footnote-ref-5)
6. . Nihilism [↑](#footnote-ref-6)
7. ***. مقصود از موجه‌گرایی، این مدعاست که تنها آن دسته از دعاوی معرفتی که به‌طریقی موجه شده باشند، عقلاً قابل قبول‌اند.*** [↑](#footnote-ref-7)
8. . Hermeneutic [↑](#footnote-ref-8)
9. . Deterministic [↑](#footnote-ref-9)
10. . Subjective [↑](#footnote-ref-10)